

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چهار فصل سرگرمی برای پیش دبستانی‌ها

مجموعه فعالیت‌های آموزشی خلاق

برای کودکان ۳ تا ۶ ساله

کتاب چهارم / سرگرمی‌های زمستان

نوشته: تریش کافنر

برگردان فارسی: حسین فدایی حسین



WWW.AMIRKABIR.NET

تهران، خیابان جمهوری اسلامی، میدان استقلال، صندوق پستی: ۴۹۹۱-۱۱۳۶۵

کافتر، تریش: Kuffner, Trish

چهار فصل سرگرمی برای پیش دبستانی‌ها (کتاب چهارم، سرگرمی های زمستان)
مجموعه فعالیت‌های آموزشی خلاق برای سرگرمی کودکان ۳ تا ۶ ساله / نوشته تریش
کافتر؛ برگردان به فارسی، حسین فدایی حسین،
تهران: امیرکبیر، کتاب‌های شکوفه، ۱۳۹۲.

ISBN 978-964-300-774-4

978-964-300-770-6

مؤسسه انتشارات امیرکبیر

The preschooler's busy book

الف. مجموعه فعالیت‌های آموزشی خلاق برای سرگرمی کودکان ۳ تا ۶ ساله.
ب. کودکان، چ فعالیت‌های آموزشی خلاق را از مدرسه، ه. فدایی حسین،
حسین، ۱۳۹۵، مترجم

۱۱۴۰/۱۳۹۲/۷۵/۳۴۷

۳۷۲/۵

۲۳۱۳۶۴۷

کتابخانه ملی ایران

چهار فصل سرگرمی برای پیش دبستانی‌ها

کتاب چهارم، سرگرمی های زمستان

نویسنده: تریش کافتر

مترجم: حسین فدایی حسین

ویراستار: علی عابدی

طراح گرافیک: علی دانشور

نویت چاپ: اول، ۱۳۹۳

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

بها: ۴۰۰۰ تومان

چاپخانه و صحافی و لیتوگرافی:

طرقه، تلفن: ۵۵۲۶۹۲۸۷-۸

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، اعم از ریزاکی و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری،
اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گیومه در مصنفه نویسی و هائنه
انها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست

۴	مقدمه
۸	تولده، عید و تعطیلات
۸۶	ضمیمه ۱
۱۰۸	ضمیمه ۲
۱۱۰	ضمیمه ۳

اگر قرار بود کودکم را دوباره تربیت کنم

اگر قرار بود کودکم را دوباره تربیت کنم،
بیشتر نقاشی با انگشت را به او یاد می‌دادم تا اینکه با انگشت برایش خط
و نشان بکشم.

کمتر می‌واخذه و بیشتر ارتباط برقرار می‌کردم.
چشم‌پاییدن او برمی‌داشتم و فقط او را نظاره می‌کردم.
کمتر به او می‌بالید و بیشتر به مراقبت می‌پرداختم.
بیشتر به او یاد می‌دادم و کمتر یاددادن بازی می‌کردم.
کارهای جدی‌تر را می‌گذاشتم و جدی‌تر بازی می‌کردم.
بیشتر در دشت و امن می‌دویدم و به ستاره‌ها خیره می‌شدم.
بیشتر او را در بغل می‌فشردم و کمتر زور می‌گفتم.
کمتر سختگیری و بیشتر تشویق می‌کردم.
اول عزت نفسش را می‌ساختم و بعد برایش خانه بنا می‌کردم.
کمتر عشق قدرت و بیشتر قدرت عشق را به او می‌آموختم.

دایان لومانز^۱

اگرچه رتق و فتق امور و تأمین نیازهای یک نوزاد برای والدین تازه‌کار،
سخت است، اما معمولاً طولی نمی‌کشد که اکثر آنها به روشی معوضی
پوشک، غذا دادن، نگهداری و خواباندن نوزادانشان را یاد می‌گیرند. همین‌که
نوزاد پا می‌گیرد، بیشتر والدین می‌توانند از عهده تمیز کردن جایش، غذا
درست کردن- غذایی که کس دیگری نمی‌خورد- جور کردن اسباب‌بازی

و لباس و البته رختشویی و رختشویی و رختشویی برآیند. اما از مرحله راه رفتن که می‌گذرند و به مرحله خردسالی و پیش‌دبستانی می‌رسند، نیازهایشان به نحو چشمگیری تغییر می‌کند. تعداد کمی از والدین آمادگی رویارویی با نیازهای روزانه زندگی یک خردسال را دارند اما بیشتر آنها این شرایط را چالشی دائمی در تقابل با نیازهای جسمی، روانی، عاطفی و روحی کودک می‌دانند.

اولین بار، زندگی با یک خردسال را طی زمستانی بارانی و در منطقه‌ای ساحلی در کانادا تجربه کردم. دختر بزرگم، «آندریا» سه ساله و خواهرش، «امیل» تقریباً دو ساله بود و «جاشوا» ی نوزاد هنوز شش ماه بیشتر نداشت. در آن ایام میل به یادگیری دستشویی رفتن بود و جاش حداقل هر دو ساعت یک بار اید می‌پیر می‌پورده. آندریا که خوش‌اخلاق و شیرین بود و زود آرام می‌گرفت، کم‌کم مشکل پیدا می‌کرد. با ادامه بارندگی، اخلاقی دمدمی‌تر می‌شد. نیاز داشت کارها را تازه کند. تجربیات تازه او را به جنب و جوش وادارد، اما اکثر انرژی و وقت من صرف دفعه کوچک‌تر می‌شد. با گذشت روزها، درماندگی‌ام بیشتر شد و دچار شک و تردیدهای متعددی در توان مادری خود شدم. همیشه درباره اهمیت «کیفیت زمانی» بودن با کودک شنیده بودم؛ اما در آن روزهای بارانی به نظر می‌رسید از نظر کمی زمان به‌روز کم‌تر زیادی داشتم! در حالی که می‌دانستم همیشه نمی‌توانم همه چیز را برای من معقول کردن او رها کنم، فهمیدم که باید کاری کنم تا بتوانم برای کودک یک دنیای سالم محیطی با خلایق و جنب و جوش بیشتر فراهم کنم. فهمیدم باید فعالیت‌هایی باشد که هم او را سرگرم کند، هم برایش چالش برانگیز باشد. ایده‌هایی برای پروژه‌های کوچک لازم داشتم تا با هم روی آنها کار کنیم؛ اما چیزهایی هم می‌خواستم که در مواقعی که من مشغول کاری هستم، او بتواند به تنهایی انجام دهد. از آنجا که زندگی ما فقط با تکیه بر درآمد شوهرم می‌چرخد، پس به فعالیت‌هایی نیاز داشتم که با استفاده از وسایل

موجود در خانه انجام گیرند.

شروع به چیدن دوباره خانه کردم تا بهتر بتوانم تغییراتی را که خانواده لازم داشت دریابم. همه نوع وسایل سرگرم کننده و جالب را برای بازی هایمان جمع می کردم. فکرم را بیشتر سازماندهی می کردم و سعی داشتم روی چیزهایی تمرکز کنم که بتوانیم با هم انجام دهیم. کمی هم به خودم استراحت دادم و یاد گرفتم همراه بچه هایم از شادی های کوچک و ساده آنها لذت ببرم. وقتی کمابیش احساس کردم کنترل اوضاع را در دست دارم، دوباره اعتماد به نفس در توانایی های مادری ام به من برگشت. با اینکه هیچ وجه ادعای «تخصص» ندارم، اما تجارب هر روزه من در خانه و با بچه کوچک به من یاد داد چه چیزی به کار می آید و چه چیز نه. مجموعه کتاب های چهار فصل سرگرمی سرشار از ایده ها و فعالیت هایی است که با: های من به عنوان مادر و نیازهای بچه هایم را طی سال های پرچالش پیش از مدرسه تأمین کرد. این کتاب ها حاوی پیشنهاداتی است برای شرایط و مقتضیات، داخل و خارج خانه، اوقات آرام و نه چندان آرام در تمام فصل سال اگرچه این کتاب ها را مادری خانه دار به عنوان منبع اطلاعات برای افرادی با همان شرایط نوشته، اما مطمئن باشید برای هر کس که در زندگی با کودکی خردسال سر و کار دارد مناسب است: مادران یا پدران، مادر بزرگ ها، پدر بزرگ ها، عمه ها و خاله ها و دایی ها و عموها، پرستاران بچه، مربیان مهد کودک، معلمان پیش دبستانی، آموزگاران مذهبی یا مربیان ورزش ها و بازی های گروهی. اگر در جستجوی کتاب خوبی درباره نحوه برخورد و رفتار با پیش دبستانی ها هستید، این کتاب ها به کارتان می آید.

با اینکه بسیاری از ایده های طرح شده در این کتاب ها ممکن است تا مدت ها پس از مرحله خردسالی هم برای کودک شما سرگرم کننده باشد، اما بیشتر برای کودکان سنین ۳ تا ۶ سال مناسب است. از آنجا که

توانایی‌های بچه‌ها در این دامنه سنی بسیار متفاوت است، بعضی ایده‌ها برای کودک سه ساله، بسیار پیشرفته و بعضی نیز برای کودک پنج یا شش ساله، بسیار ساده هستند. پس در انتخاب فعالیت‌ها نهایت دقت را به عمل آورید تا با ظرفیت‌ها و علایق کودکان متناسب باشند و خودتان نیز در مواقع لازم آماده نظارت بر آنها باشید.

«پیش از آنکه کودک خود را بشناسید، خواهد رفت. اثر انگشتان او روی دیوار بلندتر و بلندتر می‌شوند، بعد ناگهان محو می‌گردند.»

دروتنی اوسلین^۱

در حالی که اغلب بزرگسالان و فعالیت‌ها برای رشد و پرورش کودکان ضروری هستند، بر انجام آنها پافشاری کنید و او را به جلو هل دهید. همه بچه‌ها به وقت زیادی برای بازی با هم، خلاق و خودجوش نیاز دارند. به جای ایفای نقش یک معلم و آموزش و رانندگی مستقیم فرزندان، سعی کنید نقش یاور او را در روند یادگیری ایفا کنید. بچه‌ها باید خودشان یاد بگیرند و بازی را خود انجام دهند و در عین حال بدانند که در موقع لزوم شما برای کمک حضور دارید. بچه‌هایی که یاد گرفته‌اند بازی را خودشان هدایت کنند و وقت زیادی داشته‌اند تا خلاق باشند و از تفریح خود استفاده کنند، کمتر دچار خستگی و بی‌حوصلگی می‌شوند تا آنهایی که برآمده‌ریزی خشک و سختگیرانه‌ای برایشان انجام شده است.

تریش کفنی^۲